



بنام کردستان بزرگ

Under Name of Great Kurdiastan.

دوستان عیب نکنند که چرا دل به تودادم!
باید اول به توگفتن که چنین خوب چرائی؟

برگی از تاریخ ملت کرد : (4)

از : کتاب کرد و کردستان

نویسنده : واسیلی نیکیتین

قونسول روسیه در ارومیه

1915 - 1918

عضوانجمن آسیایی وانجمن نژاد شناسی پاریس

عضو دایمی موسسه بین المللی مردمشناسی و

عضو وابسته آکادمی سیاسی - بین المللی.

مترجم : محمد قاضی

1363

گرد آورنده : سرهنگ چیا

فصل دهم

نهضت ملی کرد

یاد آوری! قراربراین بود که در ادامه موضوع قبلی : 7 - دوره سوم تاریخ کرد از نیمه های قرن نوزدهم تا جنگ بزرگ ، الغای نظام ملوک الطوائفی در ترکیه و ایران ، را به علاقمندان عزیز عرضه کنم. ولی در ضمن مطالعه این این بخش را فعلا جالب و جذاب تر یافتم. لیکن این بدان معنا نیست که موضوع یادآوری شده قبلی را در آینده از قلم بیندازم. زیرا هر بخش این کتاب ، وبویژه نویسنده بزرگ و نامدار روس آن : (واسیلی) گرامی! ، در نزد من جایگاه مخصوصی خود را دارند. خوشحال خواهم شد که پخش قسمتهائی از این اثر گرانبها برای هنرجویان تاریخ و هویت ملی ، ملت بزرگ کرد مفید و موثر واقع شود. زیرا : تا خود را بدرستی نشناسیم که کی بوده و کیستیم! ، نمیتوانیم به حل مسائل و مشکلات مبتلابه : ملی - و روزمره ، خودمان نائل آئیم. چیا.

1- نفعی که در بررسی این مسئله هست. توجه!

در پرداختن به این مسئله نمی توان حساسیت آن را نادیده گرفت. آیا کرد صلاحیت و لیاقت آن را دارد که دولت ویژه خود را تشکیل بدهد؟ ، آیا این دولت دوام خواهد آورد؟ ، آیا چنین دولتی در صورت تشکیل ، تبدیل به یک عامل صلح و امنیت در منطقه خواهد شد؟ ، آیا برعکس ، بجز اینکه وضع خاورمیانه را پیچیده تر کند ثمری خواهد داشت ؟ ، جواب هایی که به این سئوالها داده می شود ممکن است متفاوت باشد.

لیکن در عین حال لزوم یافتن راه حلی برای مسئله ملی همچنان بجای خود باقی است ؛ زیرا اگر بنا باشد در همه تجلیات اراده ملی کردن به چشم اعمال ساده : نافرمانی و یا راه زنی بنگریم این کار هم نا درست است و هم دور از عدل و انصاف. تاریخ نهضت های ملی به ما می آموزد که همه جز از طریق به دست گرفتن اسلحه آغاز نشده اند و کامیابی آنها از " راهزنان " " قهرمانان ملی " ساخته است.

از این گذشته هرگاه بعد از بررسی جنبه های گوناگون زندگی ملت کرد به تحقیق خود در این زمینه ادامه ندهیم و در باره مسئله فعلی تحول این ملت سکوت کنیم نسبت به هدفی که در تالیف این اثر داشته ایم کوتا آمده ایم.

2. سه مرحله نهضت ملی.

بنابر این ، نهضت ملی کرد تا اینجا سه مرحله داشته است : اول دوران نافرمانیها و طغیانهای اجتماعی و شورش های خوانین فئودال که نسبت به امتیازات خود تعصب داشته اند. مرحله دوم وقتی است که با انقلاب ترکیه جوان تلاش هایی نیز از طرف کردن بعمل می آید، به منظور به دست آوردن حقوق ثابتی که دیگران ویژگیهای ملی ایشان را به رسمیت بشناسند. و بالاخره ، مرحله سوم در فرادای نخستین جنگ بزرگ جهانی آغاز می شود که مسئله کرد بر زمینه های بین المللی مطرح است : (معاهده سنپوروم معاهده لوزان) مرحله فعلی از تاریخ تاسیس کمیته ملی کرد : (هویون) در سال 1927 آغاز می شود که از این پس باید در آن به چشم عضو مسئول نهضت نگریست ؟

حال بیاییم وسیر حوادث را از روی این سه خط ترسیم کنیم.

الف : شورشها و انقلابهایی که در مجموع بدون نقشه بوده اند.

1 - شورش عبدالرحمن پاشا (1806).

(رجوع شود به ریک Rich ، منشآت جلد اول ، صفحه 384).

عبدالرحمن پاشا برادر زاده ابراهیم پاشا "بیه" بنیانگذار شهر سلیمانیه (1786) است. وی پس از آنکه حاکم ترک کوی سنجاق را به ضرب خنجر از پای در آورد و رقیب کرد خود خالد پاشا را که به جای او به حکومت سلیمانیه منصوب شده بود شکست داد به ایران رفت. در بازگشت ، با اینکه شاه ایران به وی کمک کرده بود از ترکان که پسران خالد پاشا با ایشان همراه بودند شکست خورد و باز به ایران پناه برد. وصف جنگهای او در اشعار فولکلوری کردی (بیتها) آمده است (رجوع شود به اسکارمان ، لهجه کردی مکری ، بخش دوم ، صفحات 454 - 460 ، چاپ 1909 برلن).

2 - شورش بلباسها : (1818).

بنا به گزارشهای نظامی روس ((از نمله ، گزارش ویامینوف به ارمولف ، مورخ 24 آوریل 1818 و نامه مورخ 10 اوت 1818 به نسیلرود)) عباس میرزا ولیعهد در سرکوب کردن شورشیان توفیق نیافت و متحمل تلفات سنگینی شد. نزدیک به همان دوران ، در سال 1815 ، کردهای ساکن پاشانشینهای ترک (پاشالیک) بایزید و وان سر به شورش برداشتند و کردهای چادر نشین ایران (بین ایروان و نخجوان و خوی) نیز به ایشان پیوستند. این شورش به وسیله سرعسکر ارضروم درهم شکسته شد. بنا به گفته ویلفسکی (در کتاب سابق الذکر ، (صفحات 157 158) تنها به تحریک و توطئه چند تن از خوانین نبو بلکه توده های کثیری سر به طغیان برداشته بودند. این توده ها از طرفی مورد

زجروستم روسای موروثی خود واذیت و آزار دولتها بودند و از طرف دیگر بر اثر نفع پرستی روزافزون خویش کار-
شان به ورشکستگی کشیده بود و با تداوم جنگها که مردانشان را به زیر اسلحه می برد دچار کمبود کارگر برای گله دا-
ری و کشت و کار نیز شده بودند.

در سالهای 1818 و 1820 و 1822 شورشهایی از طرف کردان ، خواه علیه دولت ایران و خواه برضد دولت عثمانی
روی داد. در 1825 پادگان یکی از دژهای ایران تانفر آخرازم تیغ بیدریغ کردن گذشت.

3- کردان در زمان جنگ روس و عثمانی (1828 - 1829).

امیرنشینان رواندوز و بوتان و بهبهان و هکاری از شرکت درمنازه خود داری کردند. بهلول پاشا ، کرد بایزیدی
درصد برآمد تا با روسها متحد شود ، لیکن در این کار توفیقی نیافت. امیرپاشای " موش " نیز کوشید تا خود را از
زیر یوغ تبعیت ترکان بیرون بکشد. ویچفسکی این تلاشها را ناشی از احساسات روس دوستی کردها نمی داند ،
بلکه معتقد است که خوانین کرد دیگر نمی توانستند رعایای خود را برای کمک به ترکان مسلح کنند چون برکنند
دهقانان از زمین ، درحالی که از تعداد کاکران بسیار کاسته شده بود کاربس دشواری بود.

درکنار این کشش اجتماعی احساسات ملی نیز تجسم می یابد. ویچفسکی می گوید اگر به این عوامل نام " راهزنی " و
" بربریت " بدهیم به خطا رفته ایم. به عقیده تروتر: (در کتاب کردهای آسیای صغیر) به هنگام - 1828 -
بزرگ قیام راه بیندازند. این قیام برضد فئودالهای بزرگ ، اعم از کرد یا ترک ، که تلکه کردنشان از رعایا به
اقتصاد چادرنشینی لطمه میزد ، رهبری شد. " اوباشی " که نقطه بوزواری روستایی محرک این شورش شد
با این وصف نباید فراموش کرد که شعور ملی کرد بدوا در میان برگزیدگان یعنی در بین خوانین و اطرافیان ایشان
تبلیور یافت ، و سپس به میان توده ها رسوخ کرد ، و در این ماجرا تنها عامل اقتصادی نبود که نقش داشت.

4- کردان و شورش مصر : (1832 - 1839).

میرمحمد رواندوز که چندین تن از خوانین دیگر کرد نیز به او پیوسته بودند فرصت را غنیمت شمرده و برضد ترکان قیا
م کرد. تکان محمد پاشای سیواس را که لشکریانش با قوای پاشایان بغداد و موصل تقویت شده بود به شتاب به مقابله
با او فرستادند. میرمحمد مغلوب و به قسطنطنیه فرستاده شد و در آنجا مورد عفو قرار گرفت. به روایت دیگر در باز-
گشت از آنجا به قتل رسید. مولتکه که در آن هنگام سروان جوانی در خدمت ارتش عثمانی بود علاقه خود را نسبت به
شورسیان کرد پنهان نمی دارد ، و مثلا توجه کنید که عباراتی از تسلیم شدن سعید بیگ که برای اظهار اطاعت و سر-
سپردگی به حضور حافظ پاشا آمده بود سخن میگوید (همان کتاب ، صفحه 264) : ((وقتی فکر میکردم که اقلعه
زیبائی را تسلیم می کند و تازه بعد از همه این حرفها اطمینان ندارد که جان سالم را بدر ببرد نمی توانستم
که از تحسین و تمجید نسبت به رویه لاقیدانه و مطمینی که او در حین نزدیک شدن و بوسیدن دست پاشا از خود نشان داد
خودداری کنم)).

شورشها از پی هم ادامه می یابند. پس از شکست ترکان در ماه مه 1839 در نصیبین محمود پاشا در سلیمانیه سر بشورش
برداشت دولت عثمانی بجای او کس دیگری را به حکومت آنجا گماشت ، و محمود پاشا به ایران پناه برد. دخالت دولت
های روس و انگلیس در 1843 مانع از وقوع جنگ تازه ای بین ایران و عثمانی گردید.

5- شورش بدرخان بیگ (1843 - 1846).

محققانی که در این باره سخن گفته اند (مینورسکی ، سوون ، ادامف و یگرام) موجبات این شورش را بیشتر در نتیجه
اجحافتی می دانند که بدرخان و نورالله بیگ نسبت به نسطوریان مسیحی هکاری می کردند. اینان مغلوب توپال پاشا
شدند : (می گویند پسر عموی بدرخان به او خیانت کرد). در صورت موافقت با نظریه ب. روندو (کتاب عشایر ،
صحه 6) می توان گفت که : ((.... این درگیریها بین کردان و مسیحیان کوه نشین که از دید اجتماعی بسیار به هم
شبیهند مربوط به مسائل عشیرتی بوده است نه مذهبی)) ، لیکن در میان اعقاب بدرخان عقیده دیگری در این باره رایج

است (رجوع شود به کتاب مسئله کرد ، تالیف دکتر بلج شیرگوه ، چاپ 1930 قاهره ، صفحات 4 - 17) . بدرخان با استفاده از آشفته‌گی اوضاع ترکان پس از شکست نصیبین ، قلمرو نفوذ خود را تا : وان وموصل وساوجبلاخ وارومیه و دیاربکر گسترش داد . چند تن از خوانین بزرگ کرد ، از جمله کور حسین بیگ قارص و آجره وامیر ار دلان با او متحد شده بودند . باری ، در 1845 ، در گرما گرم تدارکات او ، نسطوریان سر به شورش برداشته و از پرداخت مالیات و عوارض به بدرخان سرپیچی کرده بودند ، بطوری که بدرخان ناچار شد ایشان را به فرمانبرداری از خود بازگرداند (رجوع 1! E ، راجع به نسطوریان) .

به هر حال گواهی‌هایی از ارامن‌یان در دست است که ظاهراً ثابت می‌کند بدرخان در مسائل مذهبی سیاست سازگارانه‌ای را دنبال می‌کرده است . او خود را رئیس ورهبر روحانی مناطق آزاد شده از زیر سلطه ترکان می‌دانسته است : (رجوع شود به تاریخ کرد وارمنی ، تالیف آگوب شهپاز ، چاپ 1911 در قسطنطنیه و به یک مقاله در مجله حیرانیک منتشر در قسطنطنیه ، مورخ ژانویه 1930) .

بدرخان سالهای دراز در تبعید ، در کاندی (جزیره کرت) و دمشق زندگی کرد و همانجا در سال 1868 جهان را بدرود گفت (رجوع شود به تاریخ لطفی ، صفحه 227) .

6 - شورش یزدان شیر (1853 1855) .

این شورش نیز با استفاده از مشکلات که بابعالی در جنگ با روسیه پیدا کرده بود در همکاری و یوتان سرگرفت . یزدان شیر ابتدا بتلیس وموصل ، و سپس همه سرزمینهای بین وان وبغداد را تسخیر کرد . نسطوریها همه در زیر پرچم او گرد آمدند . در 1855 به وعدهای نمرودرسام کارگزار قونسولگری انگلیس اعتماد کرد ، در نتیجه ، دستگیر و به قسطنطنیه فرستاده شد . او نیز مانند عبدالرحمان پاشا بیه تبدیل به قهرمان ملی شد و شعرهایی در ((بیتهای)) فولکوری کردی هست که خاطرء او را زنده نگاه داشته است (رجوع شود به کتاب مجموعهء حکایتها ونغمه های کردی به لهجه تور عابدین ، تالیف پریم وسوسین ، چاپ 1887 سن پترسبورگ ، صفحه 63 و پس از آن) .

7 - شورش شیخ عبیدالله نهری (1880) .

هدف این شورش مهم اخیر که پیش از انقلاب ترکیهء جوان روی داد تحصیل استقلال برای سرزمین کردستان بود

این شورش در خاک ایران و در نقاط هم مرز با سمدینان (ارومیه ویناب ومراغه) روی داد و حتی مدتی تبریز نیز در معرض تهدید قرار گرفت . سرانجام کردها ، ناگزیر به عقب نشینی به خاک ترکیه شدند . دولت ایران اعتراضات شدیدی کرد و آخر با دخالت نظامی مشترک : (ایران و عثمانی) به فعالیتهای شیخ شورشی پایان داده شد .

شیخ عبدالله را ابتداء به قسطنطنیه بردند و سپس از آنجا به مکه تبعید کردند . پس از آنکه انقلاب ترکیه جوان صورت گرفت تنها پسر کهنتر شیخ عبدالله ، موسوم به شیخ عبدالقادر که بعد ها سناتور ترکیه شد ، از مکه بازگشت (رجوع شود به کتاب آبی ، به زبان انگلیسی ، شماره 5 ، سال 1881 و کتاب روسی سرهنگ کاماساراکان ، درباره محاصره ارومیه ، ونیز مقالهء تحقیقی خود اینجانب درباره افشارها منتشر در ماههای ژانویه ومارس ، صفحات 100 - 105) .

برای یاد آوری لازم است اشاره ائی هم به تلاشهای نافرجام دو پسر بدرخان به نامهای امیر امین اعالی بیگ وامیرمدحت بیگ در 1889 بکنیم که هر دو در گمینگاهی غافلگیر دستگیر شدند ، ونیز به ابراهیم پاشا رئیس کردهای ملی (رجوع شود به پ . رندو ، همان کتاب صفحات 34 - 39 ، و به فصل ششم کتاب ا . بانسه تحت عنوان درسایهء ابراهیم پاشا ، صفحات 76 - 94) . بعضی از عشایر کرد ، از قبیل ایل موتکی ، در ناسازگاری با مقامات دولت عثمانی مشهور بودند . **ادامه . . . دارد**

ب : تلاشهای مربوط به سازماندهی نهضت ملی .

2009 - 07 - 03

مالمو سوئيد.